

متن خطابه رئیس دانشگاه در مراسم افتتاحیه همایش حکیم ناصر خسرو قبادیانی

نگاهی به گذشته به مثابه افروختن چراغی برای آینده

بسم الله الرحمن الرحيم

با حمد و ستایش به محضر حضرت باری تعالی و درود بر پیامبر خاتم حضرت محمد که اسوه نیک انسان و انسانیت است و بر خاندان او که شمع هدایت بشریتند.

خانم ها و آقایان، استادان گرامی، ادیبان و ناصر خسرو پژوهان عزیز، میهمانان ارجمند با کسب اجازت از شما، بسیار خوشوقتم که توفیق یافتیم در هزاره آفرینش سفرنامه حکیم ناصر بن خسرو قبادیانی مروزی به پاس داشت این اثر و بزرگداشت این حکیم فرزانه بنشینیم. حکیمی ادیب که علاوه بر تسلط بر ادب پارسی و تازی بر بیشتر علوم و فنون زمان خویش چون طب و ریاضیات و نجوم، فلسفه و کلام و موسیقی و حتی نقاشی نیز مسلط بود. او قرآن را از حفظ داشت و در احوال ملت ها و زندگی آنها دقت فراوان می کرد.

آفرینش سفرنامه هفت سال از عمر این حکیم را سرمایه کرد و اثری بجای ماندنی در متن تاریخ خلق شد، نگاهی گذرا به متن سفر نامه حاکی از دیدگاهی جامعه شناسانه و از سوی نگرشی فناورانه و مهندسی است که بی شک حاصل تسلط او بر علوم دقیقه است.

اما پاس داشت ما نه از ره تفاخر است که البته جای فخر بسیار دارد بلکه نگاهی به هزاره گذشته برای ساخت هزاره پیش رو است، برای ایرانیان که در این ایام به دنبال جهاد مستمر علمی با هدف کسب مرجعیت در علم و فناوری است و نیک دریافته ایم عزت و عافیت در دستیابی به علم و فناوری البته با دیدگاهی توأم با فرهیختگی است، چنین نگرشی ضروری است.

در دنیای آشوب زده امروز، آنچه بشر خود کاشته است درو می کند. بشر امروز محیط زیستی ساخته در حال انقراض و با تمام توان آنچه در میلیون ها سال به عنوان ذخیره حیات برایش به ودیعه گذاشته شده است به یکباره چوب حراج زده و از طرف دیگر فریاد بحران انرژی سرداده، با دخل و تصرف در طبیعتی که مسخر اوست و به دنبال قدرت و سلطه چنان پیش تاخته است که هر روز به دست خود بیماری لاعلاجی را خلق می کند.

در بسط و تعالی انسان راه وارونه را طی کرده، لذت بازی های کودکانش در جنگ و خونریزی در فضای مجازی خلاصه شده و با چنین تربیت انسانی ساخته است که چهره در نقاب می کند و به راحتی سرهم نوع را

بسان گوسفندی می‌برد و از آن با فخر نمایشی می‌سازد که آری من اینچنین خونریزم. از کشته کودکان معصوم از برای مطامع خویش پشته می‌سازد، و نامش را دفاع از حقوق بشر می‌گذارد.

آری ما در این ایام متلاطم برای غلبه بر بحران‌های پیش روی خود، نیازمند آنیم که ضمن غنیمت شمردن و ارج نهادن به دستاوردهای بزرگ و میراث معنوی بشری در زمینه علم و فناوری دوران معاصر جهاد کنیم و آن را به نیکی فرا بگیریم. اما دوباره بسان دوران آغازین شکل‌گیری علم جدید در غرب، نگاهی به تمدن شکل گرفته در دوران هفتصد ساله از آغاز ظهور اسلام داشته باشیم، نه برای شروع از آن ایام بلکه برای تصحیح ادامه حرکت امروز. باشد که با اندیشه نو به راهی درخور برای غلبه بر بحران‌های امروزی دست یابیم و بنیانی صحیح برای هزاره پیش رو خلق کنیم.

اگر راه را اینچنین ببینیم و به تاریخ به‌عنوان سرمایه عبرت و نه موزه تفاخر نگاه کنیم، به جامعه‌شناسی متکی بر دریافت و شناخت عصرهای مختلف نیازمند خواهیم بود و در این راه باید عمر گذاشت و همراه با همچون ناصر خسروی سفر آغاز کرد و از دیدگاه تیز بینانه او بهره گرفت و به پنجره‌های رو به آفتابی دست یافت که راه را بر انسان امروز بگشاید؛ این سفر با نگاه به سفرهای بگذشتنی سفری ناگذشتنی است.

چه نیکوست که نشستمان را با چند بیتی از ابیات مندرج در پایان سفرنامه آغاز کنیم:

رنج و عنای جهان اگر چه دراز است	با بد و با نیک بی‌گمان به سر آید
چرخ، مسافر ز بهرماست شب و روز	هرچه یکی رفت، بر اثر دگر آید
ما سفر بگذشتنی گذرانیم	تا سفر ناگذشتنی به در آید

افسوس که زمان و شرایط رخصت نداد که او به شرق برود و سفرنامه شرق را به نگارش درآورد، اما باید عمر گذاشت و با نگاه تیزبینانه فارغ از خودیتها زمان و مکان را درنوردید و سفرنامه‌هایی اینچنین خلق کرد.

در پایان لازم می‌دانم به چند نکته اشاره نمایم:

در ابتدا از دانشمند فرهیخته جناب آقای دکتر ولایتی که پایه‌گذاری و پیشنهاد تشکیل این پاس‌داشت را در کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شورای عالی انقلاب فرهنگی طرح نمودند برای کلیه حمایت‌هایی که از دانشگاه داشتند تشکر نمایم.

از همکاران خوب مان در دانشکده ادبیات برادر فاضل و ادیبم جناب آقای دکتر خاتمی و معاون پژوهشی دانشکده سرکار خانم دکتر داوری و همه عزیزانی که در شوراهای علمی و اجرایی و پیش‌نشست‌ها در طول یک سال گذشته زحمات فراوانی را متقبل شدند تشکر می‌نمایم.

ما در دانشکده ادبیات و علوم انسانی با دیدگاهی که طرح کردم دبیرخانه‌ای علمی برای اقدام در حوزه تمدن اسلامی ایرانی ترتیب داده‌ایم حرکتی علمی در این حوزه را آغاز کرده‌ایم؛ نشست‌های تبادلات علمی فرهنگی بین کشورمان و کشورهای همسایه و پاس‌داشت مفاخر و میراث فرهنگی مشترک برگزارشده در این چارچوب انجام می‌شود.

در پایان پیشنهاد می‌نمایم بر اساس سفرنامه و با تکیه بر سایر اطلاعات موجود، مسیر سفرنامه را مورد تمرکز قرار دهیم و مدرسه‌ای بسازیم برای فرزندانمان تا با غور در این مسیر با حوزه تمدنی اسلامی بیش از پیش آشنا شوند. لازم است دانشجویان و دانش‌پژوهان ما با تحقیق بر غنای این حوزه مطالعاتی مورد نیاز بیفزایند؛ بخش عمده‌ای از این حرکت می‌تواند از طریق فضای مجازی و با بهره‌گیری از فناوری‌های مربوطه نیز انجام گردد تا هرچه سریع‌تر به طور ملموس‌تر دست‌مایه‌ای درخور برای معرفی این اثر بزرگ برای آیندگان فراهم آید.